ادامه از صفحه اول

برند اصغر فرهادی برندسازی برای ایران

... که کل خانوار آن به ۱۰ عدد نمی‌رسد؛ اما یک مرکز توریستی است، آن‌هم فقط به‌خاطر داشتن یک کارناوال؛ حتی در طول سال هم سکنه این روستا، یا نیستند یا آمده‌اند برای آماده‌کردن روستا برای آن کارناوال. یا جزیره‌ای تفریحی در مالدیو وجود دارد که در کل چیزی ندارد جز سکوت؛ آن‌قدر بی‌سکنه است که تنها یک رستوران دارد و یک سوپرمارکت و سکنه‌اش صاحبان همین املاک هستند؛ اما توریست‌ها برای رفتن به آن بی‌شمار هزینه می‌کنند. از ماه پیش در سراسر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها خبر کمپین‌هایی مخابره می‌شد در حمایت از اصغر فرهادی و انتقاد به قانون نژادپرستانه دونالد ترامپ در محدودیت سفر ایرانی‌ها به آمریکا. کلیدواژه ایران و سینمای ایران چنان به‌اصطلاح ترند شده بود که هر چهره‌ای دنبال یک نوع اعلام حمایت بود. حتی شهردار لندن اقدام به اکران میدانی «فروشنده» در لندن کرد و اتفاقاتی از این دست که هر کدام یک پیام مثبت برای باززایی یک برند فرهنگی از ایران بود. از طرف دیگر، اصغر فرهادی پیامی برجسته برای دفاع از هویت و منافع ملی ایران صادر و دو نفر از برندهای شخصی ایرانی مقیم آمریکا را به نمایندگی برای دریافت جایزه و قرائت پیام معرفی کرد که یکی نخبه علمی است و دیگری یک سلبریتی از جنس سلبریتی‌های ثروتمند که با خود فرهادی به عنوان یک نخبه فرهنگی، یک مثلث شهرت تشکیل می‌دهند؛ مثلثی که هم زبان ترامپ را بند می‌آورد. همچنین در ادامه این طراحی، متن پیام اصغر فرهادی نیز خود یک جزء حساب‌شده بود در این کل منسجم که همگی در کل اقدامی بود برای ساختن برند شخصی جدید اصغر فرهادی در تمام دنیا. از طرف دیگر دکتر ظریف دیپلمات محبوب، نیز به عنوان تکمیل‌کننده این مثلث ایرانی به میدان می‌آید و با توییتی، یک جبهه متحد علیه یک قانون ضدایرانی ایجاد می‌کند؛ آن‌هم با رسانه‌ای به نام اسکار. این رسالت اصغر فرهادی بود برای بالابردن برند ایران در اذهان عمومی و جهانی؛ اما مشخصا ما در کشورمان از این اتفاق تا چه حد بهره خواهیم برد؟ اصغر فرهادی را هم به سرنوشت برخی نخبگان‌مان که هرکدام در جایی از این دنیا هستند، دچار خواهیم کرد یا از این فرصت و «برند فرهادی» بهره خواهیم برد؟ جالب اینکه در بخش دیگری از همین مراسم اسکار، ادای احترامی می‌شود به یک کارگردان شهیر ایرانی، عباس کیارستمی؛ یعنی در نهایت می‌توان تیتر زد: اسکار، رسانه‌ای پررنگ برای معرفی برند فرهنگی ایران.

نجیب‌ترین منتقدان دنیا

پارلمانی که اپوزیسیون در آن نبود، باز به تعبیر دیزرائیلی، خانه خالی از سکنه بود. اپوزیسیون به‌تدریج شد اقلیت که بدون حضور آن، عملا اکثریت بی‌معنا می‌شد. در ایران خودمان هم، این مفاهیم به‌تدریج با مشروطه وارد گفتمان سیاسی‌مان شدند. در مجالس اولیه، بیشتر دو جریان «اعتدالیون» و «اجتماعیون» بر زبان‌ها در مجلس جاری بودند؛ اما از مجلس چهارم، تیر ۱۳۰۰، به‌تدریج اپوزیسیون به نام اقلیت متولد می‌شود. طرفداران دولت یا حکومت در مجلس، «اکثریت» نام گرفتند و مخالفان آن به نام اقلیت. مرحوم سیدحسن مدرس در مجالس تاریخی چهارم و پنجم لیدر قدرتمند فراکسیون اقلیت بود؛ چه آن را دولت سایه بنامیم چه اقلیت، واقعیت آن است که حیات سیاسی اپوزیسیون در نزدیک به یک قرن گذشته که پارلمان در ایران به وجود آمده، دشوار بوده است. مشکل اصلی خیلی ساده این بود که اساسا اپوزیسیون یا اقلیت از جانب اکثریت، خیلی جایگاهش به رسمیت شناخته نمی‌شده است؛ اکثریت همواره نگاهی سرد و بی‌تفاوت به مخالفان یا همان اقلیت داشته است؛ اکثریت سیاست‌هایش را درست و اصولی و به نفع کشور و مردم می‌پنداشته؛ بنابراین اقلیت در بهترین حالت، یک «خروس بی‌محل» تلقی می‌شد. نگاهی به این جریان در شرایط فعلی به بهترین شکل، نگاه به آنها را نشان می‌دهد. رفتاری که با مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و سایر چهره‌های اصلاح‌طلب می‌شد، مبین جایگاه دشوار این جریان است. البته اپوزیسیون درون نظام همواره رفتاری به‌غایت نجیبانه از خود نشان داده است. در مقابل برخی بی‌مهری‌ها، شاهد رفتار به‌غایت بردبارانه از جانب آنان بوده‌ایم؛ چه نجابت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در برابر رفتارهای برخی جریان‌ها و چه بسیاری از رفتارهای سایر منتقدان واقعا نشان‌دهنده نجابت و غایت تسامح و تساهل از جانب آنان است. انصافا اگر در دنیا جدولی برای رنکینگ «نجابت اپوزیسیون» ساخته می‌شد، این گروه در ایران اگر نگفته باشیم در صدر جدول قرار می‌گرفت، یقینا جزء صدر جدولی‌ها می‌شد. بگذریم که اپوزیسیون جدیدی در ایران متولد می‌شود که حاشا و کلاّ ذره‌ای از محدودیت‌هایی را که اپوزیسیون فعلی با آن مواجه بوده، تحمل کند؛ برای مثال هنگامی که مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی امکان حضور در انتخاب یازدهم را نیافتند بدون اعتراض پذیرفتند و اصراری بر اینکه خودشان حضور داشته باشند مطلقا نشان ندادند؛ اما زمانی که از اپوزیسیون جدید خواسته می‌شود در انتخابات سال آینده شرکت نکند، همان‌طور که شاهد هستیم همچنان اگرچه غیرمستقیم، حضور بسیار فعال و پررنگی در انتخابات برای خود قائل شده؛ این همان تفاوت معناداری است که این دو جریان با یکدیگر دارند؛ بنابراین شاید و فقط هم شاید، در آینده معلوم شود منتقدان فعلی چقدر نجیب بوده‌اند.

اژه‌ای در جمع اتاقی‌ها از پرونده ال‌سی غیرواقعی خبر داد

تخلف ۳ هزار میلیاردی یک شعبه بانک

عکس: بهاره تقی‌آبادی

شرق: «پرونده‌ای وجود دارد که شعبه یک بانک سه هزار میلیارد تومان «ال‌سی» غیرواقعی داشته است که منجر به تشکیل پرونده تخلف اقتصادی بزرگی شده است؛ بسیاری از افرادی که درحال‌حاضر پرونده‌های تخلف اقتصادی بزرگی در قوه قضائیه دارند نتیجه اقدامات و تخلف‌های یک گروه و عوامل متعدد است که تمام مشکلات در نهایت سر یک نفر آوار و اسم یک نفر به‌عنوان متخلف اعلام می‌شود. قوه قضائیه قبول دارد که این شخص خاصی است و باید به‌اندازه تخلف خود مجازات شود؛ اما ما از بخش خصوصی می‌خواهیم که در جهت حل این‌گونه مشکلات و حل‌وفصل مشکلات افراد خاطی اقتصادی کمک کنند».

میز صبحانه اتاق بازرگانی ایران دیروز میزبان غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، معاون‌اول قوه قضائیه بود؛ او با بیان این مطلب گفت که در برخی موارد مدیرعامل یک بانک به‌شکل دستوری و بدون تخصص کافی منصوب می‌شود و در آینده مجبور است بسیاری از خدمات و تسهیلات را به‌شکل دستوری پرداخت کند که در نتیجه منجر به تشکیل پرونده اقتصادی کلان و بحران اجتماعی در جامعه می‌شود، گفت: «من دو پرسش از بخش خصوصی دارم و پرسش نخست این است که در شرایط خاص فعلی چگونه می‌توان از منظر قضائی به بخش خصوصی کمک کرد و همچنین از سوی اتاق بازرگانی و فعالان اقتصادی چه کمکی به پرونده‌ای قضائی می‌تواند شود؟».

او گفته احساس می‌کنم آن‌قدر که باید در رابطه با فعالان بخش اقتصادی نقش‌آفرینی داشته باشیم، نداریم. به گزارش ایرنا محسنی‌اژه‌ای با اشاره به ۴۰ هزار میلیارد تومان اوراق خزانه، ادامه داد: آیا این کار خوب است یا بد و چه گرهی از کار دولت و اقتصاد باز می‌کند؟ می‌گوییم نقدینگی بیش از دو برابر افزایش یافته و بدهی دولت به بانک مرکزی و بانک‌ها به بانک مرکزی بیشتر شده است و این میان نقش اتاق بازرگانی در مشورت‌دادن به چه شکل بوده و نباید به مشورت‌دادن صرف بسنده کرد. او با درخواست کمک از فعالان اقتصادی و اتاق در پرونده‌های اقتصادی، تصریح کرد: افرادی از فعالان اقتصادی دچار مشکل می‌شوند و این مشکل تا به قوه قضائیه می‌کشد، با این مشکل مردم، نظام و قوه قضائیه ضرر می‌کنند.

سواد اقتصادی چقدر است؟

او با نام‌بردن از چند فعال اقتصادی دارای پرونده بزرگ در محاکم قضائی، ادامه داده که وقتی مدیرعاملی دستوری و با سفارش نصب می‌شود، فردا از نصب‌کننده حرف‌شنوی دارد و امتیازاتی به یک عده می‌دهد و از یک عده محروم می‌کند.

محسنی‌اژه‌ای گفت: در کمیته‌های حمایت اقتصادی در قوه قضائیه، سال ۱۳۸۶، ۶۰۰ مورد از حمایت‌های اقتصادی انجام شد و برای حدود بیش از ۵۰۰ مورد از این ۶۰۰ مورد، تصمیماتی گرفته شد؛ اما ظرفیت‌های بیشتری بین اتاق بخش خصوصی و قوه قضائیه وجود دارد. با سازوکاری که در دادستانی بود از آیت‌الله آملی خواستم موضوع را به دادستان کل کشور بسپارند تا تقویت شود، اما قبول نکردند و خواستند بر عهده من باشد و من می‌خواهم این حوزه فعال‌تر باشد و کاستی‌ها برطرف و نقاط مثبت تقویت شود. معاون‌اول قوه قضائیه با تأکید بر وجود مشاور اقتصاددان در دادستانی و قوه قضائیه، گفت: از معاون دادستان پرسیدم چند کلاس اقتصاد خوانده و چقدر سواد اقتصادی دارد؛ آقای تورک یکی از معاونان دادستان تهران به تنهایی چند پرونده مهم را در دست دارد که واقعا سخت است؛ به‌ویژه در گرفتن نظر کارشناسی که برای کارشناسی کارخانه اهواز این مشکل پیش آمد. یک کارشناس ارزش آن را دو هزار میلیارد تومان برآورد کرد و کارشناس دیگر آن را ۶۰۰ میلیارد تومان زیان خواند. این کارخانه بیش از دو هزار کارگر دارد و وضعیت این کارگران چه می‌شود؟ می‌گویند امروز شرایط حاکم بر بخش اقتصاد بسیار مهم است و این درست است؛ اقتصاد در همه زمان‌ها به‌ویژه در شرایط کنونی مهم است، چون دولت‌های متخاصم قصد ضربه‌زدن به کشور در زمینه اقتصادی را دارند. دشمنان درک کرده‌اند که جنگ نظامی پرهزینه است و باعث اتحاد مردم می‌شود و اگر می‌خواهند به اهداف خود برسند باید از این راه وارد شوند.

آیا اتاق همه وظایفش را انجام داده؟

محسنی‌اژه‌ای گفت: اینکه می‌گوییم اقتصاد دولتی خوب نیست و باید به بخش خصوصی محول شود، حرف درستی است؛ اما نخست باید دید بخش خصوصی متولی خاصی دارد و اگر بگوییم اتاق بازرگانی متولی آن است باز هم باید دید آیا این اتاق، تمام وظایف خود را انجام داده است و آیا توانسته سه قوه را در جهت خصوصی‌شدن رهنمون کند.

فساد سیستمی کاملا شایع شده است

رئیس اتاق بازرگانی ایران هم در همین صبحانه گفت: در شرایط کنونی به حقوق مالکیت تعرض می‌شود و فساد سیستمی هم کاملا شایع است. به گزارش تسنیم، غلامحسین شافعی گفت: براساس آمار منتشرشده سال ۲۰۱۴ بیش از ۶۰ درصد افرادی که برای جرائم غیرعمد با مشکل مواجه یا بازداشت شده‌اند مربوط به چک‌های برگشتی یا جرائم غیرعمد مشابه آن است. ما در شرایط اقتصادی غیرعادی زندگی می‌کنیم اما همه توسل ما در تصمیم‌گیری‌ها مربوط به زمان عادی است. با این شرایط نمی‌توانیم تغییرات بزرگی در زمان اضطرار برای اقتصاد کشور داشته باشیم. شافعی تصریح کرد: در شرایط فعلی به‌آسانی به حقوق مالکیت، تعرض شده و فساد سیستمی هم کاملا شایع است. مشکلات اساسی‌تر دراین‌خصوص تورم مقررات و تعارض در قوانین است که مشکلات پیچیده‌ای برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است. بانک مرکزی به‌عنوان بالاترین مقام مسئول متقاعد شد که فعالان اقتصادی در صورت داشتن وثیقه ممنوع‌الخروج نشوند همچنین مقرر شد فعالان اقتصادی تا از هیئت‌مدیره شرکت‌های بدهکار جدا شده‌اند ممنوع‌الخروج نشوند اما حتی یک مورد از آن اجرا نشده است. رئیس اتاق بازرگانی ایران اضافه کرد: زمانی که در این مورد به بانک‌ها مراجعه می‌شود پاسخ داده می‌شود که براساس ثبت ما راه دیگری داریم و می‌توانیم که ممنوع‌الخروج کنیم.

توافق با سازمان امور مالیاتی

درهمین‌حال رئیس اتاق بازرگانی تهران گفت: به دلیل رشد منفی صنعت در سال ۱۳۹۴ به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد دادیم اظهارنامه بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌عنوان مالیاتی قطعی پذیرفته شود و توافق اولیه انجام شده که موجب آرامش در بخش صنعت خواهد شد. به گزارش فارس، مسعود خوانساری با اشاره به رشد منفی صنعت در سال ۱۳۹۴ گفت: به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد داده‌ایم که واحدهای کوچک و متوسط به این دلیل ممیزی نشوند و توافق اولیه‌ای دراین‌باره انجام شده که اگر اجرا شود، موجب آرامش در بخش صنعت خواهد بود و ممیزان مالیاتی فرصت پیدا می‌کنند تا مؤدیان جدید مالیاتی را پیدا کنند.

۳ مشکل حوزه تأمین اجتماعی

بخش دیگر صحبت‌های رئیس اتاق بازرگانی تهران به وضعیت سازمان تأمین اجتماعی و مشکلات اساسی با این حوزه اختصاص یافت و گفت: در حوزه تأمین اجتماعی سه مشکل اساسی داریم که یکی از آنها بازرسی کارگاه‌ها تا شش ماه بازگشت به عقب است. مضاف بر آن در سال‌های گذشته مدام به بنگاه‌ها فشار آوردند و از همه نوع خرید و فروش بیمه اخذ کنند، دیگر آنکه ترکیب هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر متشکل از یک نفر از اتاق تهران، یک قاضی و دو نفر از سازمان تأمین اجتماعی است که در عمل رأی را به‌نفع آنها صادر می‌کند. تاکنون سازمان تأمین اجتماعی پذیرفته بازرسی از کارگاه‌ها و بازگشت به عقب را تا یک‌سال انجام دهد، اما ما می‌گوییم براساس قانون تا شش ماه بیشتر نمی‌توانند به عقب برگردند. او همچنین به برخی حرف و حدیث‌ها در مورد بازرگانان مبنی بر اینکه می‌خواهند نرخ ارز افزایش یابد، تصریح کرد: در دو سال گذشته ما به دنبال تک‌نرخی‌کردن ارز بودیم، اما این به معنای افزایش قیمت آن نیست، بلکه می‌گوییم نرخ ارز مانند بقیه کالاها باید قیمت واقعی خود را پیدا کند و این مسئله در اقتصاد شفافیت بیشتری به وجود خواهد آورد.

بازار شب عید دست‌فروشان از رونق افتاد

رونق کاسبی باج‌گیران

شرق: دلشان به همین آخر سالی خوش است؛ همین آخر سالی که بساط می‌کنند تا شاید کمی روزی نصیبشان شود. کار نیست و داشتن همین شغل نیم‌بند هم غنیمت است. میدان‌ها و چهارراه‌های اصلی شهر را که نگاه کنید، پر شده از بساط دست‌فروش‌ها. این فارغ از مترو است که نزدیکی‌های نوروز، بازار دست‌فروشی در آن گرم‌تر از همیشه می‌شود. بساط می‌کنند و اغلب هم دوروبرشان مملو از مردمی است که با اشتیاق به دنبال اجناس اغلب ارزان سراغ آنها می‌آیند. مشتاق‌اند به فروش. مالیاتی نمی‌دهند و همین باعث شده اجناسشان ارزان‌تر از مغازه‌ها باشد؛ البته همین موضوع صدای اصناف را درآورده. همین دیروز، اطراف تئاتر شهر هم پر بود از نیروهای انتظامی که آمده بودند تا یک‌وقت نمای شهری از این دسته‌دسته فروشندگان خیابانی که جمعیت زیادی را گرد خود جمع آورده‌اند، به هم نریزد.

دست‌فروشی شغلی کاذب؟

هرچند شغل کاذب محسوب می‌شود و نامولد است؛ اما وقتی چرخه اقتصادی معیوب است، نمی‌توان آنها را به‌کل کنار گذاشت. برخی از فعالان حقوق کارگری می‌گویند باید از آنها حمایت کرد و نه حذف از جامعه. این خواسته را هم در قالب تشکیل کمپینی با نام «دست‌فروشی را حمایت کنید، نه حذف» و با هشتگ‌هایی مانند #دست‌فروشی جرم نیست و... دنبال می‌کنند؛ اما راه‌حل این مشکل چیست؟ در بازی دو طرف (اصناف- دست‌فروشان) برد و باخت با کیست؟ هر دو از وضعیت شاکی هستند؛ مغازه‌داران می‌گویند کاروکاسبی‌شان را همین دست‌فروشانی که فقط شب عید سبز می‌شوند، بر باد می‌دهند و دست‌فروشان هم می‌گویند کاری نداریم و مجبور به دست‌فروشی هستیم؛ اما شهرداری هم نمی‌گذارد آب خوش از گلویشان پایین برود.

به‌رسمیت‌شناختن دست‌فروشی به‌عنوان شغل

کارشناسان اقتصادی اما می‌گویند راه‌حل از به‌رسمیت‌شناختن این شغل، آغاز می‌شود. وقتی صورت‌مسئله تعریف می‌شود، می‌توان آن را حل کرد. برهمین‌اساس هم بود که آن زمان (حدود یک سال پیش) در قالب نامه‌ای سرگشاده به برخی مسئولان ارشد کشور، به‌رسمیت‌شناختن دست‌فروشی از جمله خواسته‌های نگارندگان آن به شمار می‌رفت. در این نامه آمده بود: به‌رسمیت‌شناخته‌شدن فروشندگان خیابانی در سازمان بین‌المللی کار (ILO) انجام شده است؛ «بنا بر تعریف این سازمان: فروشندگان خیابانی کسانی هستند که کالاها و خدمات خود را در فضای عمومی به صورت عمده یا خُرد عرضه می‌کنند. منظور از فضای عمومی، خیابان، پیاده‌رو و فضاهای واسطه‌ای است. فروشندگان خیابانی ممکن است غرفه‌ای ثابت مثلا کیوسک، داشته باشند یا فقط از یک میز برای عرضه کالای‌شان استفاده کنند. دیگر فروشندگانی نیز هستند که هرچند در جای ثابتی کالای‌شان را عرضه می‌کنند؛ اما آنها را روی سفره‌ای پلاستیکی یا پارچه‌ای می‌چینند. سایرین نیز نه جای لزوما ثابتی دارند و نه مکانی ثابت برای فروش. باید به فروشندگان خیابانی به‌عنوان طبقه‌ای از بازیگران غیررسمی اقتصادی نگاه کرد».

کندی نظام تصمیم‌گیری در کشور

به‌هرترتیب این معضل با اینکه بیش از یک سال است بیشتر به آن توجه شده؛ اما باز هم سامانی به خود ندیده است. حسین راغفر، اقتصاددان عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا(س)، یکی از علل رسیدگی‌نکردن به این مسئله را کندی نظام تصمیم‌گیری در کشور می‌داند. به گفته راغفر، مسئله دست‌فروشی پدیده منحصر به ایران و حتی منحصر به کشورهای درحال‌توسعه نیست، بلکه کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته هم با این پدیده مواجه‌اند. به‌ویژه پس از جهانی‌شدن اقتصاد، بسیاری از مشاغل رسمی که به‌طور سنتی وجود داشته، با تحول در بازار کار از بین رفته‌اند و صاحبان آن مشاغل هم در موقعیتی نبودند که بتوانند خود را با الگوهای اشتغال جدید تطبیق دهند. به همین سبب عده زیادی از این محل، بی‌کار شدند. او می‌افزاید: نکته مهمی که باید سیاست‌گذاران به آن توجه کنند، آن است که عده‌ای قربانی تحولاتی هستند که خارج از اراده و کنترل خودشان بوده است. به‌همین‌دلیل مسئولیت اجتماعی دولت‌ها در قبال شهروندانشان، حکم می‌کند برای معیشت و زندگی آنها راهی بیندیشند. درحال‌حاضر، مسئول بخش شایان توجهی از ناکامی‌های اقتصاد کشور، بخش عمومی و دولت‌ها هستند. در واقع مردم مسئول وضعیت پیش‌آمده برای خود نیستند؛ دولت‌ها هستند که بر اثر سیاست‌هایی که به هر دلیلی درست یا غلط اعمال شده، تعداد زیادی قربانی تولید کرده‌اند و باید برای آنها چاره‌اندیشی کنند. اکنون نسل جوانی که تحصیل کرده اما کاری برای او وجود ندارد، به علت ناتوانی‌های اقتصاد کشور است. باید برای این افراد تمهیداتی در نظر گرفته شده و برای ساماندهی این دسته از مشاغل، اقداماتی انجام شود.

دوگانگی برخورد با سدمعبرکنندگان

این اقتصاددان با بیان اینکه نظام تصمیم‌گیری در ایران بسیار کند عمل می‌کند، می‌گوید: با وجودی که این پدیده وجود دارد، هنوز راه‌حلی هرچند مختصر برای حل بخش کوچکی از این مشکلات و ساماندهی آنها صورت نگرفته است که این امر نشان‌دهنده ناکارآمدی نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی در کشور است. ضمن اینکه شاهدیم نهادهای بخش عمومی رفتارهای بسیار متفاوتی با دست‌فروشان و افرادی که سدمعبر می‌کنند، دارند.

قانون برای فقرا

او می‌افزاید: افراد پولدار، نهادهایی هستند که می‌توانند در خیابان‌ها سدمعبر کنند و بخش اعظمی از یک خیابان را در تصرف خود درآورند و حتی برای سال‌ها به این کار مجازند؛ اما در مقابل با دست‌فروشان و حتی کودکی که با ترازوی خود امرارمعاش می‌کند، برخورد بدی صورت می‌گیرد و ترازوی کودک کار را می‌شکنند. این نوع عملکرد این ذهنیت را ایجاد می‌کند که گویا قانون فقط برای فقراست و گروه‌های دارا می‌توانند مستثنا از اعمال قانون باشند.

مافیای خرد در کف خیابان

راغفر ادامه می‌دهد: برای یافتن راه‌حل برای این معضل، می‌توان به تجربیات کشورهای دیگر رجوع کرد.

ادامه در صفحه ۱۹

خبر

معاون دادستان مشهد:

مدیرکل فرودگاه‌های خراسان رضوی بازداشت شد

● **میزان:** قاضی حسینی از بازداشت مدیرکل فرودگاه‌های خراسان‌رضوی خبر داد. قاضی حسینی، معاون دادستان مشهد در گفت‌وگو با خبرنگار گروه حقوقی قضائی خبرگزاری میزان از بازداشت مدیرکل فرودگاه‌های خراسان‌رضوی خبر داد. محمدحسن اصولی صفار، بازپرس ویژه جرائم فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد مشهد نیز در تشریح جزئیات خبر به خبرگزاری میزان گفت: این فرد بابت معاونت در توقیف غیرقانونی مسافران در سه پرواز ماهان، معراج و آتا تفهیم اتهام شد و پس از سه ساعت بازجویی فنی و تخصصی با قرار قانونی (کفالت) روانه زندان شد.

بورس

آغاز هفته پایانی بازار

علی نیکوگفتار
تحلیلگر بازارهای مالی

● به‌طور معمول اسفندماه به دلیل تسویه بخشی از اعتبارها و تلاش سهام‌داران و شرکت‌ها برای کسب نقدینگی، موجب فشار عرضه و کاهش تقاضای بازار می‌شود. نگرانی موجود درباره حجم اعتبار کارگزاری‌ها و البته کاهش قیمت محسوس برخی گروه‌های پیشرو در ماه‌های قبل از جمله خودرویی‌ها، فلزات و معدنی‌ها، سهام‌داران را ناگزیر به فروش سهام خود کرده که بر قدرت طرف عرضه افزوده است. در هفته جاری از شدت این روند کاسته شده و با شارژ مجدد اعتبارها در سال جدید، شاهد ورود جریان نقدینگی مناسبی خواهیم بود. نزدیکی به انتخابات ریاست‌جمهوری نیز می‌تواند روند صعودی خوبی را شکل دهد.

ادامه در صفحه ۱۹

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۶۳۱۵.۶	۳۰.۱۳
شاخص قیمت	۲۶۶۲۷.۵	-۲.۹۰
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۵۳۳۴	-۹۵.۱۱
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۱۲۰۹۲.۴	-۸۲.۵۰
آزاد شناور	۸۳۴۸۲.۴	-۴۸.۸۷
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۰۲.۲	۳.۴۰

ارز	قیمت (تومان)
دلار آمریکا	۳۷۵۹
یورو	۴۰۷۹
پوند	۴۷۱۵
درهم	۱۰۳۹

طلا و سکه	قیمت
طرح قدیم	۱،۱۸۷،۰۰۰
طرح جدید	۱،۱۸۸،۱۰۰
نیم	۶۸۹،۵۰۰
ربع	۳۷۹،۰۰۰
گرمی	۲۴۶،۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۱۲،۶۱۶
اونس (دلار)	۱۲۰۵،۵۰

شماره ویژه نوروز جامعه‌پویا منتشر شد

پرونده ویژه: مسئولیت اجتماعی

فاطمه دانشور: برخی خیریه‌ها به آسیب‌های اجتماعی نگاه سودگرایانه دارند

مهتاب کرامتی: روزگار بی‌تفاوتی گذشته است

چشم‌انداز

تقی آزاد ارمکی: طبقه متوسط بحران‌های اجتماعی را حل می‌کند

سال بحران بدهی یا سال آغاز اصلاحات

پولهای سمی چه تاثیری بر جامعه دارد

گمشده در تاریخ

روایت زنی که مصدق عشقش به او را پنهان نمی‌کرد

پرونده شهری

مصائب ۴۵ سال متروی تهران

اختلاف بی‌پایان دولت و شهرداری

فرهنگی

کنت لونرگان: مردی که نمی‌تواند بزند به چاک

کریستف رضاعی: برخورد اول من با هرکاری کاملا حسی است

از روزنامه‌فروشی‌های سراسر کشور تهیه فرمایید